آیا مقام امامت از مقام رسالت بالاتر است؟

نخست مفهوم سه واژه نبوت، رسالت و امامت را بیان نموده تا وجه برترى امامت از رسالت روشن شود.

یک. مقام نبوت: نبى از نبأ و به معناى خبر مهم است، بنابراین نبى به حامل خبر بزرگ و یا خبر دهنده از آن مى باشد نبى در زبان فارسى همان پیامبر است و در فرهنگ قرآن به انسانى مى گویند که وحى الهى را از خداوند، با روشهاى گوناگون مى گیرد و گزارشگرى است که بدون وساطت بشرى دیگر از جانب خدا خبر مى دهد; «انه مؤد من الله بلا واسطة من البشر»، نبى کسى است که بدون وساطت انسان دیگر، وحى خدا را براى مردم بازگو کند. بر این اساس قرآن مى فرماید: «فَبَعَثَ اللهُ النَّبیّینَ مُبَشّرینَ و مُنْذرین»، خداوند پیامبران را به عنوان مژده آورندگان و بیم دهندگان برانگیخت.

دو. مقام رسالت: رسول بر پیامبرانى اطلاق مى شود که علاوه بر اخذ وحى و خبر دادن از جانب خدا، مسؤولیت ابلاغ رسالتى الهى را از جانب خدا بر دوش دارند و مأموریت دارند که آن رسالت را به مردم برسانند. لذا قرآن مى فرماید: «فان تولیتم فاعلموا انما على رسولنا البلاغ المبین»اگر روى برتافتید، بدانید که که فرستاده ما، جز ابلاغ روشن و رسالت، مأموریتى ندارد. بنابراین پیامبران از آن جهت که گیرندگان وحى الهى و حاملان خبر هستند، نبى نیز مى باشند و از آن نظر که وظیفه اى را به عنوان ابلاغ رسالت بر عهده مى گیرند، رسول نامیده مى شوند.

سه. مقام امامت: امامت از نظر قرآن، غیر از دو مقام یاد شده و توأم با اختیارات و تصرفاتى گسترده تر در راستاى مدیریت و رهبرى جامعه و پیشوایى مردم مى باشد. و دلایل روشن این گفته عبارتند از:

1 ـ خداوند در مورد اعطاى مقام امامت به حضرت ابراهیم مى فرماید: «و اذ ابتلى ابراهیمَ ربّه بکلمات فاتمَّهُنَّ قال انى جاعلک للناس اماماً قال و مِن ذرّیَّتى»، آنگاه که ابراهیم از امتحانات الهى سرافراز بیرون آمد، خدا به وى فرمود: ما تو را امام و پیشواى مردم قرار دادیم. ابراهیم گفت: این پیشوایى را به فرزندان من نیز عطا خواهى فرمود؟ در پرتو این سخن قرآن دو حقیقت بر ما آشکار مى گردد.

الف) این آیه به مغایرت مفهوم امامت با دو مفهوم نبوت و رسالت، گواهى مى دهد زیرا ابراهیم از سالیان پیش از این آزمایشهاى الهى که از جمله تصمیم بر قربانى کردن فرزند خود (اسماعیل) بوده است، به مقام نبوت نائل گردید. و این مطلب چنین ثابت مى شود که همه مى دانیم خداى بزرگ، در دوران کهولت ابراهیم، فرزندان وى (اسماعیل و اسحاق) را به او عنایت فرمود. «الحمد الله الذى وهب لى على الکبر اسمعیل و اسحق) ، یعنى سپاس خداى را که در دوران پیرى، اسماعیل و اسحاق را به من عطا فرمود. از این جا روشن مى شود که یکى از آزمایش هاى الهى، یعنى تصمیم بر ذبح اسماعیل، که به دنبال آن آزمایش هاى دشوار خدا مقام امامت را به ابراهیم ارزانى داشت، در اواخر عمر آن حضرت به وقوع پیوسته و او در پایان زندگیش به مقام پیشوایى بر مردم نایل گردیده است، در حالى که از سالیان دراز پیش از آن داراى مقام نبوت بوده است; زیرا قبل از آن که داراى ذریه گردد، وحى الهى که نشانه نبوت است بر او فرود آمد.

ب) همچنین از این آیه استفاده مى شود که مقام امامت الهى فوق مرتبه نبوّت و رسالت است; زیرا در عین حال که ابراهیم به مقام نبوت و رسالت رسیده بود، مى بایست امتحاناتى را پشت سر بگذارد و پس از رستگارى در آن آزمایش ها، امامت به وى ارزانى شود

2 ـ خداوند، درخواست ابراهیم را پذیرفت و در این زمینه مى فرماید: «فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب و الحکمة و آتیناهم ملکا عظیما» ما به آل ابراهیم کتاب (آسمانى) حکمت و حکومت عظیم ارزانى داشتیم. از این آیه استفاده مى شود که امامت و رهبرى جامعه منصبى غیر از مقام نبوت است که خداوند بقاى آن را در مورد ذریه داد گر او پذیرفت و به آنان علاوه بر کتاب (آسمانى) و حکمت که رمز نبوت و رسالت است مُلک عظیم که همان حکومت و زعامت بر مردم است، عنایت فرمود. لذا بعضى از ذرّیه ابراهیم; مانند یوسف، داوود و سلیمان علاوه بر مقام نبوت، به حکومت و زمامدارى و رهبرى جامعه نیز برگزیده شدند.

برترى موقعیت امامت: از سخنان قبل روشن شد که کار نبى و رسول، تنها تذکر و روشنگرى راه است و هرگاه نبى یا رسول به مقام امامت رسید، مسؤولیت خطیرترى بر دوش وى نهاده مى شود که در پى آن موظف به تحقق بخشیدن به برنامه هاى الهى و اجراى دستورات شرع مقدس در راستاى ایجاد جامعه اى نمونه و سعادتمند مى گردد. و روشن است که تحمل چنین مسؤولیت مهمّى، نیاز مبرم به قدرت معنوى دارد و قیام به این وظیفه، پیوسته با مشکلات همراه است که صبر و شکیبایى برترى مى خواهد لذا خداوند مقام امامت را پس از یک رشته امتحانات طاقت فرسا به ابراهیم عطا فرمود و از این جهت پیامبر گرامى اسلام نیز حکومت و رهبرى جامعه را بعهده و به مقام امامت نایل شده بود.